

تطور دانش اعجاز قرآن با تأکید بر جامعه‌شناسی معرفت (مطالعه موردی قرن چهاردهم)

حمید حاجی اسماعیلی اردکانی^۱

چکیده:

اصطلاح «اعجاز قرآن کریم» از اواخر قرن سوم هجری مطرح و دانش برآمده از این موضوع در گذر زمان دچار تحولاتی شده، پس از افول فراگیر در قرن سیزدهم هجری، به تدریج، رشد کرده و در قرن چهاردهم بیش از سایر عوامل، تحت تأثیر عوامل اجتماعی به لحاظ کمی و کیفی ارتقا یافته است. در این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی معرفت، برای اثبات فرضیه یادشده، مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در سیر تحول دانش اعجاز قرآن کریم چون نهاد دین و سیاست و ساخت‌هایی مانند صوفیه و گفتمان‌های رایج دیگر، بررسی شده است. نتایج پژوهش‌ها نشان از این دارد که تلاش نهاد دین در گسترش توجه به ابعاد جدید اعجاز قرآن همچون اعجاز علمی، نقشی بسترساز داشته، اما استمرار سیاست‌زدگی علمی در ادامه، باعث تقویت توجه به مسائل علمی و در نتیجه، ایجاد «احساس حقارت» شده و ساخت اجتماعی علما به همراه اهتمام نهاد دین برای نشان دادن کارآمدی، به روش‌های گوناگون، باعث گسترش «گفتمان پاسخ‌گویی» می‌شود. همچنین ایجاد نهاد گسست‌گرایی و تلاش‌های نهاد سیاسی غرب‌گرای حاکم در کشورهای اسلامی به این امر کمک کرده و سرانجام به رواج ساخت‌های تفسیر تدبری و انسان‌گرایانه می‌انجامد.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد.
hhajismaeeli@chmail.ir

کلیدواژه‌ها: «اعجاز قرآن»، «جامعه‌شناسی معرفت»، «نهاد دین»، «گفتمان»، «قرن چهاردهم».

۱- مقدمه

از هنگام ایجاد و تطور اصطلاح اعجاز قرآن کریم، این مفهوم، تغییرات گوناگونی یافته که با بررسی تاریخی آن، به نقش مهم شرایط اجتماعی، سیاسی و... برمی‌خوریم که خود، باعث ایجاد جریان یا جریان‌های غالب در یک عصر شده است. که می‌توان به آن عنوان «گفتمان»، داد. لذا این سلسله‌علل را در دانش جامعه‌شناسی معرفت بررسی کرده‌ایم. در این راستا با آگاهی از نقش نهادهایی چون دین، سیاست، علم و خرده‌نهادها و ساخت‌هایی چون مذهب و جریان‌های دینی و اجتماعی نوپدید مانند: گسست‌گرایان و تدبیرگرایان، تا حد امکان به علل تطورات در این دانش دست یافته‌ایم و با این تحلیل، پیشنهادهایی برای چگونگی تقویت یا تضعیف برخی نهادها، ساخت‌ها، گفتمان‌ها و... ارائه کرده‌ایم تا با پرهیز از تکرار خطاهای گذشته، جریان، به مسیری متعادل تر هدایت شود. به علاوه، این مختصر می‌تواند آغازی برای تحقیقات در آینده باشد.

شایان یادآوری است گرچه در موضوع یادشده، آثاری درباره جامعه‌شناسی معرفت از دیدگاه اسلام^۱ و همچنین آثار تحلیلی درباره تاریخ اعجاز^۲ نگارش یافته، اما در تلفیق این دو یعنی معنای اصطلاحی اعجاز قرآن کریم و جامعه‌شناسی معرفت تاکنون پژوهشی به انجام نرسیده است. بنابراین در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود با پیگیری سیر تحول

۱. بنگرید به: «درآمدی بر جامعه‌شناسی معرفت از دیدگاه اسلام»، اثر عبدالرضا باقری بنجار و یحیی حمدی، ۱۳۹۳ ش، دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران، <https://civilica.com/doc/348799> و نیز: «جامعه‌شناسی معرفت در قرآن» صادق گلستانی، معرفت، ۱۳۸۵، شماره ۱۰۹.

۲. بنگرید به: اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، محسن قاسم‌پور، هستی‌نما، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۰ ش؛ نعیم الحمصی، فکرة اعجاز القرآن، الرسالة، بیروت، ۱۴۰۰ ق، چاپ دوم؛ سیدحسن سیدی، سیر تاریخی اعجاز قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، ۱۳۹۲ ش.

معنای اصطلاحی و مصادیق اعجاز قرآن کریم، در قرن چهاردهم هجری نشان دهیم که:
 ۱- سویه‌های غالب از دید جامعه‌شناسی معرفت در بازه زمانی یادشده چه بوده است؟

۲- مهم‌ترین مؤلفه‌های جامعه‌شناسانه در تحول دانش اعجاز قرآن کریم در این دوران - اعم از نهادها و ساخت‌های اجتماعی - مذهبی و... کدام است؟

۳- کدام ایده‌های نظری غالب و گفتمان‌ها در این دوره تأثیر جدی داشته است؟

۴- چگونه این گفتمان‌ها با مؤلفه‌های جامعه‌شناسانه تعامل داشته و برهم تأثیرگذار بوده است؟

بررسی این موارد و سؤالات مرتبط دیگر، ما را به شناخت زمینه‌های رشد کمی و کیفی مباحث اعجازی در قرن چهاردهم رهنمون می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی از منابع مختلف درون دینی و برون دینی و عمدتاً کتابخانه‌ای بوده و در حوزه مطالعات برون دینی از مطالعات تاریخی - تطبیقی در دایره بررسی‌های جامعه‌شناسی معرفت بهره گرفته شده است.

۱-۱: چارچوب نظری

در راستای فهم بهتر مفاهیم به کاربرده شده در مقاله باید منظور از چند اصطلاح زیر را تبیین کرد تا از سوء تفاهم احتمالی جلوگیری شود:

الف: جامعه‌شناسی معرفت: در این مقاله جامعه‌شناسی معرفت یعنی «مطالعه رابطه بین اندیشه انسان، شخصیت او و زمینه اجتماعی که از آن ناشی می‌شود و همچنین مطالعه آثار ایده‌های غالب یعنی گفتمان‌ها بر یکدیگر و سایر جوامع». (خالدی، ۱۳۹۳: ۲۸؛ توکل، ۱۳۷۰: ۱۲). با وجود تعریف‌های گوناگون از جامعه‌شناسی معرفت آنچه به عنوان تعریف مطرح شد، تقریباً مورد اتفاق است. در این راستا عوامل و مؤلفه‌های مهم در جامعه‌شناسی معرفت به شرح زیر است:

ساخت اجتماعی^۱: «در مقیاس کلان، ساخت اجتماعی «نظام» طبقه بندی اقتصادی، نهادهای اجتماعی یا دیگر روابط الگویی میان گروه‌های بزرگ اجتماعی و در مقیاس خرد، ساختار اجتماعی، «شبکه» روابط میان افراد یا سازمان‌ها محسوب می‌شود. بنابراین ساخت اجتماعی به روابط و مناسبات پایداری اطلاق شده که میان افراد یا گروه‌های اجتماعی یک جامعه، تحت مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، برقرار باشد». (برگز، لوکمان، ۱۹۶۶: ۲۰). از تراکم ساخت‌های اجتماعی، می‌توان به یک «نهاد اجتماعی» رسید. (لوپز، اسکات، قاضیان، ۱۳۸۵: ۱۸).

نهاد اجتماعی^۲: «سازوکارهای نظم و همکاری هستند که رفتار گروه‌های انسانی را در اجتماعات معین راهبری می‌کنند. نهادها، از طریق اهداف، پایداری اجتماعی، زندگی‌ها و مقاصد افراد انسانی، بازشناسی شده و با ساختن و تقویت قواعد، رفتار افراد را در مناسبات اجتماعی هدایت می‌کنند». (کوئن، ۱۳۷۶: ۱۵۱).

همان‌گونه که بیان شد، نهادها می‌توانند از طریق ساخت‌های اجتماعی ایجاد شوند و یا مستقل از آنان باشند. البته نهاد از طرفی یک بار برای اشاره به آداب، رسوم و الگوهای رفتاری‌ای که برای جامعه و همچنین سازمان‌های رسمی خاص دولتی و خدمات عمومی اهمیت دارد، به کار می‌رود و از سویی «نهادها، به عنوان ساختارها و سازوکارهای نظم اجتماعی، در میان افراد جامعه، یکی از اصلی‌ترین موضوعات مطالعه در علوم اجتماعی و اقتصاد به شمار می‌آید». (غلام حیدر، ۲۰۱۲: ۲۹۰؛ فلاح‌زاده، ۱۳۹۷: ۴). از این میان می‌توان به نهادهای اصلی چون سیاست، دین و اقتصاد اشاره کرد. به‌طور کلی باید گفت در «جامعه‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسان، به دنبال کشف ارتباط میان پدیدارهای اجتماعی‌اند؛ در یک سوی این رابطه، «معرفت» و در جانب دیگر «شرایط اجتماعی وجودی» - شامل عوامل نهادی، ساختی و... قرار دارد. جامعه‌شناسی معرفت می‌خواهد چگونگی این ارتباط را دریافته و فرایندی را که از طریق آن انواع، معرفت شکل گرفته،

1. Social structure.

2. Social institution.

ثبات و تحول می‌یابد، بررسی کند. این مطلب که چگونه معرفت به لحاظ اجتماعی تشخص و تعین می‌یابد، همان است که به مسئله مهم «تعین اجتماعی معرفت» موسوم است». (علی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۱).

معرفت: منظور از معرفت، «گستره کاملی از محصولات تفکر، از فلسفه گرفته تا ایدئولوژی، از دکترین سیاسی گرفته تا علم کلام است». (سبزیان، ۱۳۷۳: ۱۸)، اما «اکثر جامعه‌شناسان مدعی‌اند، «علم تجربی» بدان علت که واجد وضع معرفت‌شناختی خاصی است، مورد جامعه‌شناختی خاصی نیز محسوب می‌شود و به همین دلیل تحلیل دقیق دانش علمی را به فیلسوفان علم و مورخان اندیشه‌ها واگذارده‌اند». (مایکل، ۱۳۸۴: ۱۳/۱). لذا در اینجا، سخن از جامعه‌شناسی علم به معنای تجربی آن نیست.

ب: گفتمان^۱: «یک «روش صوری تفکر» را توصیف کرده که به واسطه «زبان» ابراز وجود می‌کند. البته زبان‌شناسی تا حدودی به گفتمان‌ها و تحلیل آن نزدیک است با این تفاوت که در تحلیل گفتمان به جای ساختار متن در پی کشف ویژگی‌های اجتماعی - روان‌شناختی - چون صداقت، آرامش، شعف و... فرد یا افراد هستیم». (رضایی‌پناه، شوکتی، ۱۳۹۵: ۸؛ سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۲)، در حالی که جامعه‌شناسی معرفت، تبیین و تفسیر ساختارهایی است که می‌تواند در ایجاد گفتمان‌ها مؤثر واقع شود یا بررسی تأثیر و تأثرات این گفتمان‌ها بر یکدیگر است یا به تبیین ساختارهای متفاوتی می‌پردازد که به تحولات اجتماعی دیگری منجر شود که آن‌ها بر تفکر و منش جوامع انسانی تأثیری مستقیم دارند. (همان‌جا).^۲ درست است که در اینجا باید به اعجاز قرآن کریم از دیدگاه کلیت جامعه‌شناسی معرفت، توجه شود؛ اما از گفتمان‌ها و تحلیل آن‌ها - به سبب اقبال زیاد به آن - نیز سخن گفته می‌شود؛ امری که بعدها به وجود آمده و از بحث جامعه‌شناسی معرفت جدایی پیدا کرده است. (توکل و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۹).

1. discourse.

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: 20- Discourse Analysis – What Speakers Do in Conversation | 20-2016 Linguistic Society of America". www.linguisticsociety.org .Retrieved

۲: بدنه اصلی

در این مقاله با استناد به مؤلفه‌های اصلی و مذکور جامعه‌شناسی معرفت، به سیر تحولات دانش اعجاز قرآن کریم با تعریف اصطلاحی^۱ پرداخته شده به گونه‌ای که از توجه به شواهد تاریخی، هفت برهه متفاوت در مورد معنای اصطلاحی «اعجاز قرآن کریم» قابل تشخیص است؛ هفت برهه‌ای که از عدم استفاده اصطلاحی معنای اعجاز قرآن کریم در قرون اول تا اواخر سوم و تا استفاده حداکثری با تمرکز بر اعجاز علمی در قرن چهاردهم ادامه می‌یابد و در نهایت به تعادل می‌رسد.

۲-۱. آغاز تحول و تغییر، نیمه دوم قرن سیزدهم

در انتهای قرن سیزدهم هجری ضعف نهاد حکومت به عنوان برقرارکننده ثبات در مقابل قدرت نهاد علم و قدرت سیاست سکولار،^۲ خودنمایی می‌کند. اما در این میان، نهاد دین به عنوان مدافع مهم جامعه مسلمان به پاسخ‌گویی در اشکال گوناگون دست می‌زند. اصلاح‌طلبانی چون سید جمال^۳ (م ۱۲۷۵ ش) و شیخ محمد عبده (م ۱۳۲۳ ق)^۴

۱. اعجاز قرآن را اصطلاحاً خرق عادت - نه از نوع خرق عادت سایر انبیا و به صورت صرفاً مادی - بی‌بدیل الهی دانستیم که موجب اثبات نبوت توسط پیامبر ﷺ شده است. این تعریف اصطلاحی از میان جمیع تعریف‌های دانشمندان در طول قرن‌ها مختلف انتخاب شده به گونه‌ای که جامع و مانع باشد.

۲. سیاست سکولار، سیاست جدای از دیانت است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: «سکولاریزم و اسلام»، اکبر اسد علی‌زاده، میلغان، خرداد ۱۳۸۱، شماره ۲۹.

۳. سید جمال‌الدین اسدآبادی یا سید جمال‌الدین افغانی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ ق) عالمی که برای تقریب مذاهب اسلامی کوشید و با همین هدف، سفرهایی به مناطق مختلف جهان اسلام و اروپا داشت. او از منتقدان حکومت‌های سلطنتی مانند عثمانی و قاجار بود. همچنین به سیاست استعماری انگلیس در کشورهای اسلامی اعتراض داشت. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: سید جمال‌الدین اسدآبادی، بنیان‌گذار نهضت احیای فکر دینی، محمد جواد صاحبی، بوستان کتاب، ۱۴۰۰ ش.

۴. محمد عبده، از شاگردان و هم‌فکران سید جمال‌الدین، فقیه و حقوق‌دان مصری است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: شیخ محمد عبده از مجموعه کتاب‌های جیبی آفرینندگان فرهنگ و تمدن اسلام و

راه چاره عقب ماندگی و رخوتی را که مسلمانان به آن دچار شده بودند، در «احیاءگری» یافتند و این یعنی نقش مهم نهاد دین و شخصیت‌های دینی که «ساخت اجتماعی» علما تأثیرگذار را شکل داده بود. هدف این قشر، آن بود که مسلمانان ضمن حفظ هویت دینی و پایبندی به ارزش‌ها، از دستاوردهای جدید علمی نیز بهره‌مند شوند. این موج احیاءگرانه در کشورهای اسلامی موجب بازگشت به قرآن شد تا سازگاری معرفت دینی و معرفت علمی شکل گرفته، توجه و بازگشت به نهاد دین رونق یابد و به تبع آن نگاه‌های علوم قرآنی به ویژه مباحث محتوایی مربوط به اعجاز قرآن کریم با جدیت بیشتر دنبال شود؛ امری که سرانجام در آثار محمد بن احمد اسکندرانی دمشقی (م ۱۲۹۹ق) در این قرن به اوج می‌رسد. وی در کتاب الاسرار النورانیه، آیاتی درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌آورد و هدف خود از ذکر این آیات را اثبات قدرت خداوند برمی‌شمرد (اسکندرانی، ۱۳۸۹ق: ۱۲۲/۱-۱۴۸). اسکندرانی می‌گوید: هدف از تألیف این کتاب اثبات این نکته است که خداوند قرآن را نازل کرده چون در آن فواید و اسراری است؛ وی هدف از نزول قرآن و ذکر مسائل علمی و کیهانی را ایمان آوردن مردم می‌داند. نتیجه دیگری که می‌گیرد این است که مؤمن اندیشه‌ورز- که اسرار آفرینش و عظمت آفریننده را درمی‌یابد- از مؤمن نادان بهتر است. (همان‌جا). مشاهده می‌شود که تعبیرات به کاررفته توسط او نسبت به گذشتگان، نشان از حرکتی جدید و متفاوت دارد؛ حرکتی که می‌توان آن را آغازی برای پرداختن به مباحث اعجاز علمی دانست.

۲-۲. قرن چهاردهم

در این قرن میزان توجه دانشمندان علاقه‌مند به مباحث اعجاز قرآن - خصوصاً اعجاز علمی - در ابعاد گوناگون رشدی توجه‌برانگیز داشته است. در ابتدای این قرن هم‌گرایی و

→ بوم ایران، نوشته علی‌اکبر ولایتی که در سال ۹۱ برای نوبت اول از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شده است و نیز «اندیشه کلامی و سیاسی علامه شیخ محمد عبده»، محمد حسن‌وند، جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۶.

کمک میان نهاد دین و نهاد علم دیده می‌شود، امری که قبلاً در آثار اسکندرانی تا حد زیادی نمایان شده بود. در این راستا می‌توان تحولات ذیل را در یک سیر تاریخی مشاهده کرد:

۲-۲-۱. تلاش برای هم‌گرایی توسط نهاد دین و ساخت اندیشمندان دینی معتقد به

اصطلاحات سیاسی

ابتدای قرن چهاردهم هجری با آغاز قرن نوزدهم میلادی - یعنی قرن پیشرفت‌های علمی همراه است که رشد علوم تجربی در مغرب‌زمین و تحوّل مستمر آن - به علاوه تلاش استعمارگران و پیروان آن‌ها در تحمیل خود به جهان موجب شده است تا نگاه انسان به جهان دگرگون شود و این یعنی غلبه نهاد سیاست و حکومت جهانی استعماری بر نهادهای دیگر با استفاده از نهاد اقتصاد و پیشرفت مادی. این تحول، تمام عرصه‌های زندگی بشر را فرا گرفت. آشتی دادن میان معرفت دینی و علمی یعنی تأثیر متقابل هر دو نهاد و البته بیشتر تأثیر علم با پشتوانه‌هایی که ذکر شد، از اواخر قرن گذشته دغدغه بسیاری از مصلحان اجتماعی و اندیشمندان جهان اسلام شده بود. بزرگانی که به نوعی به نهاد دین تعلق داشتند و قصد آنها عمدتاً شفاف کردن معرفت دینی، امروزی کردن یا «کارآمدی» آن بوده است. بی‌جهت نیست که افرادی چون اقبال لاهوری (م ۱۳۱۷ ق) به تحلیل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌پرداختند. سید جمال‌الدین نیز قرآن کریم را منبعی مقدس و دربردارنده تمامی حقایق و نیازهای زندگی بشری می‌دانست و معتقد بود در صورتی که قرآن به درستی فهم و عمل شود، می‌توان دریافت که مضامین آن کاملاً با عقل انطباق دارد. (صاحبی، ۱۳۷۵: ۱۲).

این نوع اندیشه، طبعاً گسترش بررسی مباحث مربوط به اعجاز قرآن کریم را به‌ویژه در ابعاد علمی و سپس اجتماعی به دنبال دارد، بنابراین «اصلاح‌طلبان سیاسی»، اولین گروه متأثر از نهاد علم و سیاست استعماری هستند که جهان اسلام را نیازمند اصلاحات سیاسی می‌دانند. آنان معتقدند اگر به سمت تعالیم دینی بازگردیم، این مشکل حل

خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت بازگشت و توجه به نهاد دین در تحولات مربوط به نگارش‌های اعجاز قرآن کریم در ابعاد مختلف تأثیرگذار بوده است. شروع این جریان فکری با «سید جمال» است و شاگردان او مثل «شیخ محمد عبده» در مصر و «شیخ عبدالرحمن کواکبی» (م ۱۳۲۰ ق) در سوریه نیز همین افکار را ادامه دادند. در ایران نیز می‌توان از «میرزا محمد حسن آشتیانی» (م ۱۳۱۹ ش) نام برد. (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۹۵). این جریان سعی کرد، خوانش خود را از اعجاز قرآن و به‌ویژه اعجاز علمی - که همان دیدگاه سنتی است - گسترش دهد. نمونه آن را می‌توان در جواب سید جمال به سراج‌محمد خان هندی یافت. (اسدآبادی، ۹۳: ۱۰۴-۹۷). همین‌گونه است اعتقاد اجمالی شیخ عبدالرحمن کواکبی به «شمس العلوم وکنزالحکم» بودن قرآن کریم در طبائع الاستبداد (معرفت، ۱۳۷۸: ۲) که طبعاً از آن می‌توان در بحث اعجاز علمی بهره‌ها جست. به هرحال اعتقاد این گروه، استفاده محکم و حداکثری از مباحث قرآنی و عمل به آن است. تا جایی که مشاهده می‌شود از حد فاصل مشروطیت در ایران و جهان اسلام تا قبل از جنگ جهانی دوم نوعی همراهی میان جریان‌های اسلام‌گرا و غرب‌گرا در استفاده از دستاوردهای دانش بشری وجود دارد و برتری محسوسی جز در برخی مسائل^۱ دیده نمی‌شود.

این درحالی است که از دوران رنسانس^۲، رشد خیره‌کننده علم جدید آغاز شده و در درون خود، نطفه تعارض با دین را - البته از خاستگاه آن یعنی رنسانس و مسیحیت -

۱. اختلافات عمدتاً اخلاقی است؛ برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: «تحلیل جامعه‌شناختی از وقوع جنبش مشروطه با استفاده از نظریه فشار ساختاری اسملسر، رحمة الله معمار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۵، شماره ۵۸-۵۹، ۱۳۹۲ ش.

۲. رنسانس، جنبش فرهنگی مهمی بود که آغازگر دورانی از انقلاب علمی، اصلاحات مذهبی و پیشرفت هنری در اروپا شد. این عصر، دوران‌گذار بین سده‌های میانه (قرون وسطی) و دوران جدید است. واژه رنسانس، فرانسوی و به معنای تولد دوباره یا نوزایی است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، محمد ایلخانی، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.

پرورش می‌دهد. (محیطی اردکان، ۱۳۹۲: ۲۲). البته با ورود علوم مختلف به حوزه دانش اسلامی، با وجود زمینه‌های تعارض، به تدریج همراهی میان این دو شکل گرفت؛ چراکه در غرب این چالش، حاصل تعارض میان دستاوردهای علوم طبیعی و دین بود درحالی که این تعارض در اسلام وجود نداشته و ندارد. (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۰).

۲-۲-۲. ورود مفهوم عقب‌ماندگی و حقارت و توجه بیشتر به مبحث اعجاز قرآن خصوصاً اعجاز علمی

به تدریج با ورود مفهوم پیشرفت به معنای غربی آن و با احساس ضعف مسلمانان، حاصل از نهاد قدرت سیاست استعماری و غرب‌زدگی نهاد و ساخت‌های همراهش، با کمک نهاد علم و به‌ویژه علم تجربی - که در اثر آگاهی‌های حاصل‌شده در عرصه‌های علمی و کلامی مستولی بود - مفهوم «عقب‌ماندگی» به مفهومی پذیرفته شده در میان مسلمانان تبدیل شد. (همان‌جا) تا جایی که این مفهوم به «گفتمانی رایج» بدل شده و علمای مختلف را به «پاسخ‌گویی» بیشتر واداشت. در واقع نهادهای قدرت سیاست و علم، احساس ضعف را با مفهوم عقب‌ماندگی به دنبال آورد و این مفهوم، علم‌گرایی را گسترش داد، اما علم‌گرایی و در واقع نهاد علم ایجادشده بر اثر ناتوانی، باز هم زمینه را در نهایت برای توجه به نهاد دین فراهم کرد. در این راستا انگیزه‌ها برای پاسخ‌گویی متفاوت بود:

۲-۲-۳. تقویت نهضت پاسخ‌گویی با انگیزه‌های گوناگون

نهضت یادشده با انگیزه‌های گوناگون شکل گرفت که مهم‌ترین آن‌ها در جهان اسلام به این شرح است:

الف: جبران عطش معتقدان: بخشی از توجه بیش از حد به بحث اعجاز علمی قرآن را می‌توان حاصل احساس حقارت برآمده از حس عقب‌ماندگی برخی مؤلفان مسلمان در برابر سیاست علم‌پرستی حاکم در غرب و نقد مستقیم مستشرقان دانست. (نفیسی، ۱۳۹۲: ۸۰). آن‌ها با نگارش تفاسیر علمی، درصد «جبران این عطش» و نشان دادن

صلاحیت اسلام در اداره جامعه برآمدند (حمصی، ۲۳۳: ۱۴۰۰) و این روش تا حد زیادی آلام آن‌ها را کاهش می‌داد، اما زودگذر بود. (همان، پاکتچی، ۱۳۸۹: ۹۰). از نمونه‌های این تلاش‌ها می‌توان به تفسیر محمد بن طنطاوی جوهری (م ۱۳۵۸ ق) با عنوان *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم* و به نحو تعدیل شده‌ای به تفسیر نوین محمدتقی شریعتی (م ۱۳۶۶ ش) و تفسیر طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) با عنوان *پرتوی از قرآن* اشاره کرد.^۱ همین مسئله در مورد «احمد ترجانی‌زاده» نیز صادق است. انتخاب او متأثر از روی کار آمدن پهلوی اول (م ۱۳۲۳ ش) بود که با تأسیس وزارت معارف توسط افراد منتقد - عمدتاً به حوزه علمیه - شکل گرفت. یکی از انتقادات جدی «وزارت معارفی‌ها» به حوزه، دفاع همه‌جانبه نهاد حوزه از تشیع به حساب می‌آمد. یکی از کارهای حاکمیت برای کاهش فاصله بین شیعه و اهل سنت استفاده از علمای اهل سنت در دانشگاه بود^۲ که یکی از آن‌ها عالمی شافعی به نام «احمد ترجانی‌زاده» (م ۱۳۵۹ ش) است که به عنوان استاد دانشگاه

۱. مثلاً در تفسیر طنطاوی می‌توان این نوع از تفکر را در عبارت روبه‌رو یافت: وی می‌نویسد: «هنگامی که به امت اسلامی و تعالیم دینی می‌اندیشیدم، دریافتم که بیشتر خردمندان و دانشمندان از این معانی (آیات علمی در قرآن) روی گردان و از سیر و کاوش در آن غافل و بی‌خبرند و تنها تعداد اندکی به آفرینش جهان و غرایب و شگفتی‌های آن می‌اندیشند. از این رو تألیف کتاب‌های مختلفی را آغاز کردم...». (طنطاوی، ۱۹۹۱: ۲/۱). وی سپس از ادامه تلاش خود در نشان دادن مطالب علمی قرآن به رغم ترجمه آثارش به زبان‌های مختلف یاد کرده و سبب نگارش تفسیر خود را بیان همه آیات علمی قرآن کریم که بیش از ۷۵۰ آیه می‌شود، می‌داند. (همان: ۳/۱). همین مسئله تحت تأثیر جریان مصر، ایران را هم متأثر کرد و در تفاسیر طالقانی و شریعتی راه یافت، اما اصل نگارش تفاسیر فارسی، دلیل دیگری دارد که در متن می‌آید.

۲. البته شواهد نشان می‌دهد که حاکمیت در صدد تفرقه بوده و یا نسبت به روحانیت برنامه داشته و به مسئله وحدت، چندان توجهی نمی‌کرده است، اما به هر حال برخی اقدامات مانند: ازدواج ولیعهد با فوزیه در آشنایی دو اقلیم ایران و مصر و شیعه و سنی مؤثر بوده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: «ازدواج ولیعهد با فوزیه و وحدت شیعه و سنی!»، رسول جعفریان، *فقه سیاسی*، ۱۳۹۳،

تازه تأسیس تبریز در شهری تماماً شیعی منصوب کرد. او پس از مدتی رئیس دانشکده ادبیات شده و سال‌ها ریاست آن را بر عهده دارد، اما در این مدت، تفسیر جزء سی‌ام را با عنوان «شگفتی‌های آفرینش» می‌نویسد که در آن به اعجاز قرآن کریم توجه شده و همین جریان، مسیر نگارش‌های اعجازی را روشن‌تر می‌کند. (ترجانی‌زاده، ۱۳۵۰، ۵۰). در آثار دیگر او نیز، ما نوعی از توجه به اسلام و عظمت آن را می‌بینیم، مشابه کاری که علمای مصری در آیات علمی قرآن کریم انجام دادند تا نشان دهند قرآن چیزی از تمدن جدید علمی بشر ندارد. (قنبری، ۱۳۸۶: ۱۲). در واقع می‌توان وی را در قامت یک مصلح فرامذهبی دید و این، امری است که بر جریان رایج بازگشت به مجد و عظمت اسلام در آن دوران دامن می‌زند. لذا این اقدامات دولت، به جای آنکه به نفع نهاد قدرتمند علم‌زدگی سیاسی جهانی باشد، به ضرر آن‌ها تمام شده و به گسترش مباحث اعجازی - به ویژه اعجاز علمی - منجر شد.

ب: ذوق‌زدگی دانش‌آموختگان غربی: این گرایش به نگارش‌های علمی در حوزه قرآن از سوی دیگر، حاصل ذوق‌زدگی برخی از دانش‌آموختگان در غرب و متأثران از نحله‌های فکری آنان نیز بود، زیرا آنان تحت تأثیر نهاد قدرتمند علم سیاست‌زده، برتری را در علم می‌دیدند که به ناگاه مواردی را از آنچه آموخته بودند در قرآن مشاهده کرده و با اشتیاق به آن پرداختند. (همان‌جا). از نمونه این افراد می‌توان به رشاد خلیفه (م ۱۹۹۰ م) - آغازگر بحث اعجاز عددی -، مهدی بازرگان (م ۱۳۷۳ ش) (مثلاً در بازرگان، ۱۳۴۴: ۱/۱۲۲) و یدالله سحابی (م ۱۳۸۱ ش) (مثلاً در سحابی، ۱۳۷۵: ۸) اشاره کرد. این اقدام برای یک از فرنگ برگشته، می‌توانست حکم تثبیت عقاید را نیز داشته و ارتباط حداقلی او با دین را حفظ کند. بنابراین موارد یادشده و اندیشه‌های مشابه، همه حاصل همان علم‌گرایی یا علم‌زدگی و علم‌پرستی قبل از جنگ جهانی دوم (از ۱۳۴۵-۱۳۳۹) بوده که جریان غالب بر جهان غرب نیز به شمار می‌رفت.

ج: جریان تفسیر اجتماعی و اندیشه گسست‌گرایی: از سویی گرایش به غرب، حاصل ایجاد این فکر در میان علمای جهان اسلام بود که چرا ما نباید مانند آنان چنین

«تحولات اجتماعی» ای داشته باشیم؟ نکات مشترک ما و فرهنگ غرب در ایجاد این تحولات چیست؟ چگونه می‌توان میان این دو آشتی برقرار کرد؟ (همان: ۹۲) مشاهده می‌شود اینجا هم نقش نهاد علم، مؤثر بوده، اما خودباختگی حاصل از سیاست‌زدگی، به دلیل دیدگاه اجتماعی وجود ندارد. این مهم علاوه بر توجه و اعتقاد به مباحث علمی و تجربی در قرآن کریم نگاه افراد را به جنبه اجتماعی در میان تعالیم اسلام متوجه کرد تا هم کارایی دین و قرآن کریم را نشان دهند و هم برای آینده خود در این راستا ارایه طریق کنند. بنابراین گرایشی که در این دوره به طور جدی در حوزه مطالعات قرآنی دیده می‌شود، «تفسیر اجتماعی» یا «تفسیر عصری» است که تمایل منطقی و ملایمی هم به مسایل علم تجربی دارد. (ایازی، ۱۳۷۶: ۴۴/۱) به گونه‌ای که نوع نگاه مسلمانانی که در قرن‌های جدید با غرب در تماس بوده‌اند را در آن‌ها می‌بینیم. نگارش‌هایی که در آن رنگ‌وبوی این جهانی افزایش پیدا کرده و به طور کلی متأثر از نهاد قدرتمند سیاست جهانی با کمک نهاد علم تجربی است.^۱

از سویی در جهان اسلام، در اندیشه افرادی مانند محمد رشید رضا (م ۱۹۳۵ م)، نوعی توجه به بحث «عرب‌گرایی» یعنی ساخت ملی یا نهاد ملیت، در سطح علمی نیز وجود دارد، زیرا افراد متعلق به این گروه بر این نکته اصرار دارند که فهم عرب از مطالب قرآنی، فهم عمیق‌تری است. در واقع این توجه، از ویژگی‌های جریان گسست‌گرا به شمار می‌رود که در عصر جدید ایجاد شده است. گسست‌گرایان معتقدند برای فهم نصوص قرآن و سنت باید تمام دوران ۱۴۰۰ ساله را نفی کرده، به طور مستقیم به سراغ سنت سلف اعراب زمان نزول برویم، در حالی که پیوست‌گرایان، سنت‌های انتقال یافته در طول این قرون را به

۱. رشید رضا در مقدمه تفسیر المناریان می‌کند که طرز تلقی سید جمال و عبده از آیات قرآنی مرتبط با اعاده مجد و عظمت به جامعه اسلامی و مقابله با استعمار و اصلاح اجتماعی مسلمانان وی را تحت تأثیر قرار داده و او آن را نوعی تفسیر از خدادهای اجتماعی دیده که در هیچ‌یک از شیوه‌های تفسیری پیشینیان نمی‌یافته است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: المنار، رشید رضا (م ۱۳۵۴ ق)، ج ۱، قاهره، دارالمنار، ۱۳۷۳ ق، ص ۱۰-۱۲.

رسمیت می‌شناسند. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۳۸). از در کنار هم قرار دادن افکار «طه حسین» (م ۱۹۷۳ م) و افکار «شیخ محمد عبده» (م ۱۲۶۶ ق) یک جریان ادبی در جهان عرب ایجاد می‌شود که «تفسیر اجتماعی» و به تبع آن، مباحث مربوط به اعجاز را در حوزه «ادب و زبان» توسعه می‌دهد و در واقع آغازگر روشی است که افراد دیگری چون «محمد خلف الله» (م ۱۹۸۳ م) این مسیر را ادامه دادند. شخصیت برجسته این جریان «امین خولی» (م ۱۹۶۶ م) است. وی در قالب بیان نهضت ادبی خود، کاری در حوزه علوم انسانی و مباحث روان‌شناختی ارائه داده است. (همان؛ طیب حسینی، مرتضوی، ۱۴۰۰: ۵۸). این حرکت نیز تا حد زیادی تفسیر اجتماعی - ادبی را گسترش می‌دهد، اما جریان ادبی ایجاد شده، به جریان تدبیرگرایی - که در ادامه خواهد آمد - نیز کمک می‌کند.

یکی از چهره‌های هم‌سو با جریان تفسیر اجتماعی در ایران «طالبوف تبریزی» (م ۱۲۸۹ ش) است. او برای تبیین مسائل اجتماعی سعی کرده برداشت جدیدی از آیات ارائه کند. (طالبوف، شاه‌آبادی، ۱۳۹۷: ۹۹). بحث دیگر او، تأکید قرآن بر قانون و اجرای عدالت بوده؛ چرا که با آغاز مشروطیت، مسئله قانون و عدالت به شدت در فضای جامعه مطرح است. (همان؛ معتمد دزفولی، ۱۳۹۴: ۱۲). طالبوف به سبب مطالعاتی که در مورد فرهنگ غرب از طریق آشنایی با روسیه و عثمانی داشته، سعی کرده مسائل جهان اسلام را در قرآن پیگیری کند و به این واسطه از اسلام در برابر موج غرب‌گرایی به دفاع برخیزد. (همان‌جا). این چنین افکاری در جهان اسلام طبعاً به استفاده بیش از پیش از قرآن انجامیده و مباحث محتوایی قرآن را به ویژه در مورد قانون‌گذاری و مسایل اجتماعی برجسته می‌کند و به طور طبیعی اثری قابل تأمل در مبحث اعجاز قرآنی می‌گذارد. در واقع او و دانشمندان مذکور بعدی را باید هم‌ردیف افراد دلسوزی چون طنطاوی و طالقانی دانست که در اثر تماس با غرب، از نهادهای اجتماعی آن‌ها تأثیر پذیرفته است. شخصیت دیگر «ابوعبدالله زنجانی» (م ۱۳۶۰ ق) است که در اثر اصول القرآن الاجتماعیه سعی کرده مجموعه قانون‌هایی از قرآن استخراج کند که به تنظیم روابط اجتماعی بپردازد. (زنجانی، ۱۳۴۷: ۹۹). در عین حال بعضی اتفاقات فرهنگی نیز در دوره پهلوی

اول - یعنی نهاد حاکمیت و نظام سیاسی وابسته به غرب - در ایران رخ داده که ظاهراً نقش مؤثری در گسترش تفسیر و علوم قرآنی و به طور مشخص، اعجاز قرآن کریم داشته و به اندیشه گسست‌گرایی کمک می‌کند. این اقدامات بی‌تأثیر از وابستگی شاه از جریان علم‌زدگی سیاسی نبود. شکل‌گیری وزارت فرهنگ و انتخاب افرادی مثل «علی اصغر حکمت» (م ۱۳۵۹ ش) به عنوان وزیر فرهنگ از جمله این موارد است که اقدام به انتشار مجموعه‌ای از کتب دینی و تفسیری و تأسیس دانشگاه کرده و به طور جدی به مسائل اسلامی و قرآنی می‌پردازند، اما در رأس مدرسان و مؤلفان این مجموعه‌ها افرادی - مثل او و بدیع الزمان فروزانفر (م ۱۳۴۹ ش) از تحصیل کرده‌های حوزوی و منصوب رضا شاه هستند که ضمناً - همان‌گونه که بیان شد - به نظام «حوزه» منتقداند. (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). عمده‌ترین انتقاد این افراد به نظام تک بعدی حوزه است که به جز فقه و اصول به رشته‌های دیگر مثل فلسفه، علوم قرآن و تاریخ توجه اندکی می‌شود^۱ و به همین دلیل است که پرداختن به مباحث قرآنی و علوم قرآنی جدی گرفته شده و این مسئله، راه را برای نگارش‌های بعدی فراهم می‌سازد تا افرادی مانند طالقانی و محمد تقی شریعتی (م ۱۳۶۶ ش) به نوشتن تفاسیر جدید اقدام کنند. اینجاست که می‌بینیم توجه به نگارش تفسیر تحت تأثیر فضای آن روز، زمینه را برای ورود مباحث مربوط به اعجاز فراهم می‌کند. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۱۶/۵-۱۵ و نیز شریعتی، ۱۳۶۵: ۵۰).

گرایش مهم دیگر در این دوره، گرایش به «بومی و عمومی سازی تفسیر»، تکیه بر «زبان فارسی» توسط نهاد حکومت است که با ملیت همراه شده و به ترجمه فارسی قرآن کریم می‌انجامد. در همین راستا تفسیر فارسی ابوالفتح رازی (م ۵۲۹ ق) انتشار می‌یابد و افرادی مانند میرزا ابوالحسن شعرانی (م ۱۳۹۳ ق) مأمور به تصحیح آن می‌شوند.

۱. البته این دیدگاه به احتمال زیاد، متأثر از شخصیت وزیر فرهنگ منصوب رضا شاه بود؛ چرا که او شاه بسیار

می‌ترسید. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: دانشنامه جهان اسلام، عبدالحسین آذرنگ، ۱۳۹۳ ش و نیز EIr (2003). "Hekmat, 'Ali-Ašgar". Encyclopædia Iranica. XII, Fasc. . New York: Bibliotheca Persica Press. P1 145-149.

همین‌گونه است تصحیح و انتشار تفسیر کشف الاسرار میبیدی.^۱

جریان دیگر، گرایش به ترجمه فارسی قرآن است از جمله ترجمه تفسیری «زین العابدین رهنما» (م ۱۳۶۸ ش) به نام تفسیر رهنما یعنی کار مشترک او و تعدادی از اساتید حوزوی و دانشگاهی و نمونه دیگر، ترجمه «بدیع الزمان فروزانفر» است که تنها دو بخش آن موجود است. (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). به علاوه، گاهی با «تفاسیر ابتدایی» مواجه می‌شویم که در آن، قرآن به صورت ابتدا به ساکن تفسیر شده و به تفاسیر پیشین - ولو سلف - هیچ مراجعه‌ای نشده است). بنابراین همین بومی‌سازی و سهل‌الوصول کردن جریان تفسیر، باعث شد تا تفسیردانی و تفسیرنویسی با جریان تدبرگرایی - که به آن خواهیم پرداخت - همراه شده و زمینه را برای اظهار نظرهای افرادی غیر از محققان حوزوی و متتبع در قواعد تفسیر فراهم آورد. (همان جا). این تفاسیر را باید در دسته تفاسیر گسست‌گرا قلمداد کرد که به دنبال جریان‌های اجتماعی آن عصر هستند تا بدون توجه به سنت گذشته، برداشتی نوبیافرینند که به عنوان مثال می‌توان به تفسیر روشن یا «روشنی»، «سید ضیاء الدین طباطبایی»، (م ۱۳۴۸ ش) رئیس الوزرای ایران تا چهارم خرداد هزار و سیصد اشاره کرد. وی در مقدمه هدف خود از نوشتن آن را توضیح آسان آیات الهی به روشی ساده بیان کرده است. صدرالدین الهی نیز در کتابش در بخش «گفته‌ها و نگفته‌هایی از سید ضیا»، از این تفسیر جزوه‌گونه یاد می‌کند. (الهی، ۱۳۹۴: ۱۸). این عمومی‌سازی و بی‌قاعدگی در جریان بالا، طبعاً استفاده و برداشت‌ها را در جامعه ایرانی از قرآن کریم و مبحث روز اعجاز قرآن در ابعاد گوناگون آن بیشتر کرده و به مبحث گسست‌گرایی دامن خواهد زد.

۱. علی محمد هنرمی نویسد: «این تفسیر، مشتمل برده جلد است که هر جلد، دارای حدود هشتصد صفحه است و دانشگاه تهران به اشارت علی اصغر حکمت، پی به ارزش این تفسیر شریف برد و تصویب نمود که هر ده مجلد به اهتمام ایشان، به زیور طبع آراسته گردد. این کتاب، توسط انتشارات امیر کبیر به صورت مکرر تجدید چاپ شده است...»، هنر، «گشت وگذار در کشف الاسرار»، آیینۀ پژوهش، شماره ۴۴، خرداد و تیر ۱۳۷۶، ص ۱۶-۲۷.

اما از برجسته‌ترین افراد متعلق به جغرافیای هند که تجددگرایی را به نحوی با استفاده از قرآن و در قالب مباحث دینی ارائه می‌کنند، «احمد خان هندی» (م ۱۸۹۸م) است. وی سعی می‌کند نهادهای مدنی و فرهنگ موجود در غرب را به نحوی در جهان اسلام «شبیه‌سازی» کرده و در عین حال مبانی اسلام را نیز حفظ کند. به همین دلیل روش‌های کاری او هم در تفسیر علمی و هم در تفسیر اجتماعی‌اش مبتنی بر نوعی مطالعه تطبیقی و البته عمدتاً نادرست است و در واقع او آیه را با اندیشه‌ای که دارد منطبق می‌کند. این‌گونه «تحمیل» در مبانی قرآنی باعث نتایج خاصی شده است. مثلاً وی معجزه را به دلیل تخطی‌اش با قوانین طبیعت منکر بوده و آن را به عنوان دلیلی بر نبوت و رسالت پیامبران نمی‌پذیرد. طبعاً برخوردی این‌چنینی با مبحث مهم اعجاز، واکنش‌های مختلفی را نیز در پی خواهد داشت. در واقع نقش نهاد قدرتمند استعمار سیاست‌زده با سلاح علم را در امثال او باید دید. (ایازی، ۱۳۸۷: ۱۲۰). روشن است که نقش این‌گونه افراد نیز در گسترش دفاع از قرآن و مباحث اعجاز، برجسته است. افرادی در جواب به این تفکر، تلاش می‌کنند هم به اصل مبانی پایبند باشند و هم معجزه را به طریقی عقلی اثبات کنند. شاید بتوان اولین کسی را که به او نقد وارد کرد، خود سید جمال دانست. (اسدآبادی، ۱۳۹۳: ۹۷-۱۰۴). مشاهده می‌شود که نگاه اجتماعی‌ای که در بالا نمونه‌هایش ذکر شد، نوع توجه به مباحث اجتماعی و انسان‌شناسانه را در قرآن کریم تغییر داده و ضمن تقویت مباحث مربوط به محتوای قرآن کریم، توجه به اعجاز محتوایی آن را نیز لاجرم تقویت خواهد کرد.

د: اصلاح‌طلبان دینی: گروه دیگری از متأثران از شرایط اجتماعی «اصلاح‌طلبان دینی» هستند که برخلاف گروه اصلاح‌طلبان سیاسی معتقدند، اساساً در فهم از دین دچار مشکل‌اند و لذا باید به سمت فهم صحیح از دین بروند. عبده، از جمله کسانی است که بعداً در گروه اصلاح‌طلبان دینی قرار گرفت. همین‌جاست که می‌توان در المنار او و رشیدرضا ذیل آیات تحدی و اعجاز و سایر آیات مرتبط، آیات بحث اخبار از غیب و نیز آیات مربوط به اعجاز بیانی و ادبی، اعجاز سلامت از اختلاف، اعجاز تشریح و

قانون‌گذاری اشاراتی به اعجاز علمی و... را یافت.^۱

از دیگر اندیشمندانی که در این گروه قرار می‌گیرند؛ «جمال‌الدین قاسمی»^۲ (م ۱۳۳۲ ق) و «ابوالکلام آزاد» (م ۱۳۷۹ ق)^۳ آند که صریحاً معتقد به اصلاحات دینی اند. این گروه دنبال فهم خالص‌تری از دین هستند به گونه‌ای که افرادی مثل «سید قطب» که به این گروه تعلق دارد، به وضوح اسم کتابش را **فی ظلال القرآن** انتخاب می‌کند تا نام تفسیر بر آن نگذارد و همین گونه است سید محمود طالقانی و نام‌گذاری **پرتوی از قرآن** (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۹۰). در واقع اینجا ارتباط میان گسست‌گرایی و اصلاح‌طلبی دینی به نحو بازرزی مشخص شده و نقش نهاد سیاست علم‌زده و نهاد ملیت، قومیت‌گرایی یا ساخت قوی مرتبط برجسته می‌شود. اکنون به نوعی مسئله بازگشت به دین آغاز شده است بنابراین در مجموع، این حرکت‌ها، زمینه را برای پرداختن به مباحث اعجاز قرآن در محتوا از جمله اعجاز علمی، تشریحی و اجتماعی به شکلی نو و با نگرشی جدید هموارتر می‌کند. گرایش اصلاح‌طلبی دینی در آثار شیعیانی چون «شریعت (محمدحسن) سنگلجی» (م ۱۳۲۲ ش) نیز بروز می‌یابد. مبنای اصلی آنچه که شریعت سنگلجی مطرح می‌کند، نوعی تهذیب‌گرایی است، یعنی معتقد است در طی قرون متمادی پیرایه‌هایی به دین بسته شده و اکنون باید این پیرایه‌ها را بزدااییم و لازمه‌اش مراجعه مجدد به متون اصلی و قرآن است. وی معتقد است برای فهم قرآن، کلیدهایی لازم است که در خود قرآن وجود دارد و به این ترتیب برای اینکه شکل تحریف شده دین، ما را فریب ندهد، می‌باید به سمت قرآن

۱. بنگرید به: المنار، رشید رضا، ج ۱، ص ۲۲۳؛ ج ۳، ص ۲۴۵؛ ج ۷، ص ۴۲۸-۴۲۷.

۲. عالم شافعی اهل دمشق و متبحر در فنون ادب، برای آگاهی بیشتر بنگرید به: العالونه، احمد، العلماء العرب المعاصرون ومآل مکتباتهم، بیروت، دارالبشائر الإسلامیه، ۲۰۱۱م.

۳. محقق، سیاست‌پیشه، خطیب، روزنامه‌نگار، ادیب صاحب سبک زبان اردو، هم‌رزم گاندی و نهرو، نخستین وزیر آموزش و پرورش هندوستان پس از استقلال. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: سیری در اندیشه سیاسی عرب، عنایت، حمید، تهران، جیبی، ۱۳۵۶ ش. نیز الموسوعة الاسلامیه، ج ۱، حسن امین، بیروت، ۱۳۹۵.

که یک متن اصیل است، حرکت کنیم (شریعت سنگلجی، بی تا: ۲۲؛ خان محمدی، ۱۳۹۰: ۱۲). مشاهده می‌شود گرایش اصلاح‌طلبی، نوگرایی و به نوعی گسست‌گرایی به توجه بیشتر به قرآن کریم انجامیده و راه را برای تحقیقات بعدی آماده کرده است. تحقیقاتی از جنس توجه به معارف قرآن در ابعاد علمی، اجتماعی و اقتصادی که قبلاً به آن اشاراتی شد. البته همه این‌ها حاصل هجوم بی‌رحمانه نهاد قدرتمند سیاست علم‌زده بود که جریان دینی را چندپاره کرد، اما به هر حال بازگشت به دین را شکل داد؛ بازگشت به دینی که حاصلش توجه بیشتر به قرآن و نواندیشی در آن در ابعاد علمی، اجتماعی و سیاسی بود.

۲-۲-۴. انسان قرن بیستم و تولد تدبرگرایی

البته عمومی‌سازی تفسیر و فهم قرآن کریم، به جزایران در جهان اسلام هم به راه افتاد و بی‌تأثیر از نقش انسان تربیت شده در قرن بیستم توسط نهادهای مختلف نبود که ترجیح می‌داد به نحوی خود هم در فهم، نقشی داشته باشد. (طاهری، عزیزخانی، ۱۳۹۰: ۲۸). محققان علوم قرآنی هم تاحدی این نقش را به رسمیت شناخته‌اند، بنابراین طیفی از تفاسیر قرن حاضر با چنین رویکردی نوشته شده‌اند. در واقع عمومی‌سازی تفسیر، متأثر از نهاد سیاست علمی بود و البته تفکر حاصل از علم‌گرایی یعنی نهاد علم که این دو با هم همراه شده و ابتدا توسط سید قطب به دلیل استفاده نکردن از روش‌های سلف و سنت تفسیری - مانند به‌کارگیری روایات و اخبار - به کار گرفته شد و در نهایت برای به دست آوردن ابزارهای تخصصی - به جز ابزار عمومی زبان - برای این نوع از تفسیر، به جریانی ادبی در مصر منجر شد؛ جریانی که در الازهر، دانشکده ادبیات را به وجود آورده (سروقامت، ۱۳۸۲: ۱۰۲) و افرادی چون «طه حسین» ابزارهای جدیدی را در زمینه نقد و مطالعه ادبی ایجاد می‌کنند. (الجنیدی، ۱۹۷۷: ۱۸). در همین راستا «امین خولی» (م ۱۹۶۶ م) بزرگ‌ترین نظریه پرداز مطالعات ادبی در دوره معاصر نیز آثار متعددی در حوزه مباحث ادبی قرآن تألیف می‌کند. (طیب حسینی، مرتضوی، ۱۴۰۰: ۱۸). بعد از او شاهد ادامه

افکارش در «علی عبدالرزاق» (م ۱۹۶۶ م)، «محمد خلف الله» و «نصر حامد ابوزید» (م ۲۰۱۰ م) هستیم که به دنبال نوعی تحول در ابزارهای تدبیرند. (پاکتچی، همان). شایان یادآوری است که ایران بیش از هر جایی از «مصرفی‌شگام» تأثیر گرفته است. (همان جا). بنابراین همین فضا در آن روزگار بر افرادی چون مرحوم طالقانی نیز مؤثر واقع شده و وی در تفسیر خود به کاربرد ساختاری واژگان و نقش آهنگ آنان و هماهنگی با مقاصد و معانی آیه توجه کرده و حتی در مواردی با هدف اثبات مطالب علمی آیات، از این رابطه بهره می‌جوید. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۳ / سراسر جلد).

اما عدم پاسخ‌گویی کافی این نوع از روش تدبری مبتنی بر ابزارهای زبانی، نوع دیگری از تدبیر، با عنوان تدبیر مبتنی بر معنویت و سیرو سلوک - که می‌توان آن را اشرافی نامید - به وجود می‌آورد. تدبیری که تهذیب نفس و دستیابی به درجات معنویت را مایه فهم قرآن می‌داند.^۱ اما این روش هم گویا نبوده و برای جبران، از ابزارهای علمی و معنوی در کنار هم استفاده می‌شود که می‌توان این روش را «روشی ترکیبی» دانست. اما باز در هیچ‌کدام از سه نوع تدبیر ذکر شده، چهارچوب و مبنای قابل دفاعی ارائه نشده است. طبعاً شکل‌گیری این چنین شیوه‌ای به رونق مباحث قرآنی و به‌ویژه جنبه‌هایی که نشان از برتری آن دارد به صورتی بی‌قاعده می‌انجامد. شاید در ایران، حاکمان پهلوی هم مایل به رسیدن به چنین نتیجه‌ای بودند؛ چرا که رواج این نوع تدبیر گسست‌گرا در میان عامه مردم موجب رواج «دین فردی» شده که عمدتاً روان‌شناختی است و تنش‌های فردی انسان را برطرف کرده و زندگی معناداری می‌آفریند، ولی جنبه جمعی دین را تضعیف می‌کند. بنابراین تدبیر گسست‌گرا نتیجه‌ای جز انهدام دین ندارد و عامل تفرقه است؛ یعنی کارکرد مهم دین که

۱. از شخصیت‌های برجسته در این زمینه «علی صفایی حائری» (م ۱۳۸۷ ش) «عین صاد» است که در کتاب *تطهیر با جاری قرآن* هرچند بی‌توجه به ابزارهای علمی نیست و آشنایی با علمی همچون لغت را نفی نمی‌کند، اما عمده‌ترین ابزار فهم قرآن کریم را سیرو سلوک معنوی می‌داند. (حایری، ۱۳۸۱: ۴۲/۱).

میثاق اجتماعی و عامل وحدت است را از میان می‌برد». (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۳۲۵).

۲-۲-۵. گرایش به تفسیر انسان‌شناسانه

جریان توجه به قرآن و دین موجب شد مسلمانان به مسائلی چون انسان‌شناسی همراه با نگاه‌های علمی نیز بیش از گذشته متوجه شوند. یکی از اولین نمونه‌های متفاوت، آثار دکتر «محمد حمیدالله حیدرآبادی»^۱ (م ۲۰۰۲ م) است. مهم‌ترین اثر او در موضوع مورد بحث، مقاله‌ای است به زبان فرانسه به نام: «الایلاف» یا «روابط اقتصادی دیپلماتیک» در باره آیه «لایلاف قُریش» که وی سعی کرده با مطالعه روابط اقتصادی مکه با سرزمین‌های دیگر مفهوم ایلاف و سوره قریش را بازبینی کرده و فهم جدیدی از آن ارائه دهد. از دیگر افراد مؤثر در این زمینه می‌توان به «محمد طالبی تونسسی» (م ۲۰۱۷ م) اشاره کرد که دو اثر او یعنی **عیال الله و امت الوسط** از جمله شاخص‌ترین کتب دهه ۸۰ م در جهان اسلام در مورد انسان‌شناسی با روشی علمی است که از سوی منتقدان، مقالات گوناگونی در ارزیابی آن ارائه شده است. (عصمتی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴). شاید ظهور افرادی چون طالبی، حاصل سیاست آموزشی فرانسویان در تونس باشد؛ جریانی که بر بازخوانی میراث اسلامی به ویژه تفاسیر قرآنی کلاسیک تأکید دارد (همان‌جا) و این موضوع نشان از دخالت نهاد حاکمیت و سیاست در شکل‌گیری فهم جدید در قرآن دارد، مسئله‌ای که در مورد دکتر حمیدالله هم تا حد زیادی قابل تعمیم است (همان‌جا) و این فهم جدید، حرکت به سوی برداشت‌های فوق‌العاده و اعجازگون را هموار می‌سازد. «محمد ارغون (ارکون)» (م ۲۰۱۰ م) الجزایری نیز تحت تأثیر زندگی با مسیحیان کاتولیک و فضای چندفرهنگی الجزایر در زمینه مطالعات انسان‌شناسانه، از جمله مفهوم مسلمان-شهروند، آثار متعدد به جای

۱. محقق نامدار اسلامی، یکی از علمای بزرگ شبه‌قاره هند و نخستین مترجم قرآن به زبان فرانسه است. وی به هفده زبان مسلط بوده و بیش از ۲۵ کتاب نوشته است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: زیرنویس مقاله «پیامبر خدا ﷺ»، پیام یونسکو، شهریور و مهر ۱۳۶۰- شماره ۱۳۸، ص ۶-۷، و ص ۹-۱۰ و نیز تارنمای ویکی نور و اصلاح نت: wikinoor.ir و <http://islahnet.com>

گذاشته است. (علی‌خانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲) در همین راستاست کار «ملا عبدالرسول کاشانی» (م ۱۳۶۶ ق) که در «رساله انصافی» با موضوع مشروعیت مشروطه، اولین نمونه‌های طرح مباحث «اومانیسیم^۱ اسلامی» را ارائه و تلاش دارد تا مبانی اومانیسیم غربی را برای معتقدان، نقد کند و مبانی اومانیسیم را از دیدگاه قرآن استخراج نماید و نشان دهد که قرآن نیز برای انسان و افراد جامعه بشری ارزش قائل شده است. (کاشانی، ۱۳۴۰: ۱۰۰). مجموعه این تحولات باعث رواج مباحث علمی و اجتماعی در جهان اسلام و به تبع آن گسترش مباحث مربوط به اعجاز قرآن کریم شد. حجم و تنوع آثار معرفی شده در قبل، بازگوکننده این مسئله است، اما باید تلاش بسیار نهاد سیاست و حکومت غربی در جوامع اسلامی از سویی و کوشش‌های متنوع نهاد دین و دانشمندان را در واکنش به آن نهاد قدرتمند، مد نظر قرار داد. به هر حال، گفتمان علم‌زدگی حاصل از رواج فکر علمی نهاد حاکمیت برگفتمان تفکر دینی چیره شده و جهان اسلام و به‌ویژه مباحث مرتبط با اعجاز قرآن کریم را دگرگون کرد.

بنابراینچه گفته شد، در این مختصر دریافتیم که توجه به اعجاز علمی و محتوایی قرآن در قرن چهاردهم را باید حاصل تلاش نهاد قدرتمند سیاست علم‌زده دانست، نهادی که توسط عاملان دانسته یا نادانسته‌اش در داخل اعم از غرب‌زدگان و دانش‌آموختگان غربی به فعالیت پرداخته و مهم‌ترین عامل «احساس حقارت» جامعه مسلمان در برابر غرب و پیشرفت‌هایش به حساب می‌آید و همین امر سبب پاسخ‌گویی نهاد دین اعم از علما و ساخت‌های دیگر به شیوه‌های گوناگون شده و در کنار آن با دخالت نهادهای سیاسی غرب‌گرای حاکم در کشورهای اسلامی، به جریان گسست‌گرایی اسلامی و تدبیر محوری

۱. اومانیسیم HUMANISM واژه‌ای آلمانی بوده که در قرن نوزدهم ابداع شده، اما معنی و مفهوم آن در رنسانس به کار رفته و در اصطلاح عام کنونی عبارت است از: «یک شیوه فکری و حالت روحی که شخصیت انسان و شکوفایی کامل او را بر همه چیز مقدم می‌شمارد و نیز عمل موافق با این حالت و شیوه و تفکر». برای آگاهی بیشتر بنگرید به: فرهنگ واژه‌ها، عبدالرسول بیات، فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۸۶ ش، نیز: «اومانیسیم»، نشریه معارف، مهرماه ۱۳۸۲، ش ۱۴.

دامن زده است.

۳- نتیجه و پیشنهاد

با نگاهی اجمالی به آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که نقش مهم نهاد سیاست علم‌زده و وابستگان آنان در ایجاد گفتمان پاسخ‌گویی و دفاع توسط نهاد دین و ساخت‌های مرتبط، باید همواره مد نظر قرار گیرد؛ نقشی که در اثر ضعف نهاد دین و ساخت‌های آن به دلایل گوناگون، باعث واکنشی انحرافی و افراطی نخست در زمینه اعجاز علمی و سپس در سایر جنبه‌های آن به ویژه اعجاز در زمینه‌های اجتماعی شد و متأثر از جهان غرب، باز هم در قرن معاصر تغییر یافت. واکنشی که می‌توانست فعالانه‌تر بوده و در راستای تفکر علم‌زده نباشد. این امر لزوم توجه بیشتر به جریان‌های آینده ایجاد شده توسط نهاد استعمار و ضد دین را بیش از پیش روشن کرده و ضرورت تقویت نهاد دین و حکومت دینی - و نه دین حکومتی - را در جهت مقابله با آن واضح می‌کند. بنابراین برای آنکه سمت) جریان مباحث اعجاز عوض شده و به جای دفاع و انفعال، فعالانه و با تسلط با جهان پیرامون در مباحث مهم اعجاز، به گفتگو بنشینیم، باید «هم‌گرایی» علمی و عملی جهان اسلام - با همایش‌ها و مراودات علمی، فرهنگی، اقتصادی و ... افزایش یابد و در ضمن، «وحدت داخلی» کشورهای مسلمان مؤثر در بحث اعجاز قرآن، مانند: ایران، مصر، مالزی، ترکیه و هند نیز با هوشیاری و آگاهی بخشی ملت‌ها ارتقا یابد؛ به علاوه با ارتقای این وحدت، به تشکیل «هیئت‌های اندیشه‌ورز» داخلی و بین‌المللی - در راستای هدایت گفتمان پاسخ‌گویی یا ایجاد آن - اهتمام شود تا حرکات و نقشه‌های دشمنان حقیقت و اسلام را شناسایی کرده و با فرماندهی واحد و تقسیم کار، قدرتمندانه عمل کنیم. این اقدامات زمینه «دفاع فعالانه» را با تقویت واقعی نهاد دین و مبارزه با دین حکومتی و احیای «حکومت دینی» به معنای درست کلمه فراهم می‌آورد، امری که می‌تواند از وظایف آن هیئت اندیشه‌ورز بوده و با توکل و کار مداوم، میسر شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذرننگ، عبدالحسین، *علی اصغر حکمت*، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳ ش.
۳. آشتیانی، منوچهر، *جامعه شناسی شناخت*، قطره، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۴. اسدآبادی، سید جمال الدین، *مقالات جمالیة*، جمالی، ابوالحسن، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۹۳ ش.
۵. اسد علی زاده، اکبر، «سکولاریزم و اسلام»، *مبلغان خرداد*، شماره ۲۹، ۱۳۸۱ ش.
۶. اسکندرانی، محمد بن احمد، *الاسرار النورانیة*، بی نا، بیروت، ۱۳۸۹ ق.
۷. امین، حسن، *الموسوعة الاسلامیه*، ج ۱، بیروت، ۱۳۹۵ ق.
۸. ایلخانی، محمد، *تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس*، سمت، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۹. بازرگان، مهدی، *باد و باران در قرآن*، ج ۱، شرکت سهامی انتشار، قم، ۱۳۴۴ ش.
۱۰. باقری بنجار، حمدی، یخی، «درآمدی بر جامعه شناسی معرفت از دیدگاه اسلام»، *دومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی*، تهران، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. بیات، عبدالرسول، *فرهنگ واژه ها*، فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. پاکتچی، احمد، *تاریخ تفسیر*، انجمن علمی دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. توکل، محمد و نوح منوری، «کاربرد نظریه گفتمان در جامعه شناسی معرفت»، *معرفت فرهنگی، اجتماعی*، سال هفتم، شماره سوم، ۱۳۹۵ ش.
۱۴. جعفرزاده کوچکی، علی رضا؛ شهریاری نسب، سروش و دهقانی، فرزاد، *پژوهش های فلسفی - کلامی*، سال هفدهم، شماره سوم ۱۳۹۵ ش.
۱۵. جعفریان، رسول، «از دواج ولیعهد با فوزیه و وحدت شیعه و سنی!»، *فقه سیاسی*، پایگاه اینترنتی پارسین: parsine.com/000wU4، ۱۳۹۳ ش، دسترسی در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۱.
۱۶. جمعی از نویسندگان، *اعجاز القرآن*، بخش کتاب شناسی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۱۷. جمعی از نویسندگان، «علمای قرن سیزدهم»، پایگاه رایانه ای ویکی فقه: <http://wikifeqh.ir>، ۱۳۹۲ ش، دسترسی در تاریخ هشتم آبان ۱۴۰۰.
۱۸. چالمرز، الن، *چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی*، ترجمه سعید زبیاکلام، سمت، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. حسنوند، محمد، «اندیشه کلامی و سیاسی علامه شیخ محمد عبده»، *جستارهای حقوق عمومی*، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۶ ش.
۲۰. حمصی، نعیم، *تاریخ فکرة اعجاز القرآن*، الرساله، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۰ ق.

۲۱. حمیدالله، محمد، «پیامبر خدا ﷺ»؛ پیام یونسکو، شهریور و مهر ۱۳۶۰ ش.
۲۲. خالدی، سمانه، «جامعه‌شناسی معرفت»، پایگاه اینترنتی پژوهش باقرالعلوم، <http://pajoohe.ir>، ۱۳۹۳ ش، دسترسی در ۱۴/۰۷/۱۴۰۰ ش.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم، *مرزهای اعجاز*، سبحانی، جعفر، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. رشیدرضا، محمد، *المنار*، ج ۱، دارالمنار، قاهره، ۱۳۷۳ ق.
۲۵. رضایی پناه، امیر و شوکتی، مقرب، تحلیل گفتمان سیاسی، امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی، ترجمه مقالاتی از: ارنستولاکلا، شننتال موف، نورمن فرکلاف، روث، تیسا، ۱۳۹۵ ش.
۲۶. زنجانی، ابوعبدالله، *اصول القرآن الاجتماعیه*، بی‌نا، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۲۷. سبحانی، یدالله، *خلقت انسان*، شرکت سهامی انتشار، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۸. افندی سلانیکی، مصطفی، *تاریخ سلانیکی*، ترجمه حسین بن علی، به کوشش نصرالله صالحی، طهوری، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۲۹. سلطانی، سید علی اصغر، قدرت، *گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، نی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۳۰. سیدی، سید حسین، *سیرتاریخی اعجاز قرآن*، دفتر تبلیغات خراسان رضوی، مشهد، ۱۳۹۲ ش.
۳۱. سید قطب شاذلی؛ سید ابراهیم حسین، *تصویر فنی؛ نمایش هنری در قرآن*، ترجمه محمد علی عابدی، مرکز نشر انقلاب، تهران، ۱۳۵۹ ش.
۳۲. شجاعی، حسین، هوشنگی، حسین، رضایی مقدم، محمدرضا، «گونه‌شناسی انتقادات بر تفسیر عرفانی و تحلیل آن»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال نهم، ۱۳۹۴ ش.
۳۳. شرف‌الدین، سید حسین، «دین و نهادهای اجتماعی»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۹ ش.
۳۴. شریعت سنگلجی، محمدحسن، *کلید فهم قرآن*، دانش، تهران، بی‌تا.
۳۵. صاحبی، محمدجواد، *سید جمال الدین اسدآبادی، بنیان‌گذار نهضت احیای فکری دینی*، بوستان کتاب، قم، ۱۴۰۰ ش.
۳۶. طالبوف، عبدالرحیم، *سفینه طالبی یا کتاب احمد*، به کوشش حمیدرضا شاه‌آبادی، مدرسه، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۳۷. طالبوف، عبدالرحیم، *کتاب احمد یا مسائل الحیات*، به ضمیمه ترجمه قانون اساسی دولت ژاپن، فرامرز معتمد دزفولی، شیرازه، تهران، ۱۳۹۴ ش.
۳۸. طاهری سرتشیزی، اسحاق و احمد عزیزخانی، «انسان‌شناسی پست مدرن و نقد آن از

- منظر آموزه‌های دینی»، *انسان پژوهی دینی*، دوره ۸، ۱۳۹۰ ش.
۳۹. طیب حسینی، سید محمود و ابراهیم مرتضوی، «اعتبارسنجی نظریه اعجاز روان‌شناختی با تأکید بر آرای امین الخولئی»، *آموزه‌های قرآنی*، دوره ۱۸، شماره ۳۳، ۱۴۰۰ ش.
۴۰. العلاونه، احمد، *العلماء العرب المعاصرون ومآل مکتباتهم*، دار البشائر الإسلامیه، بیروت، ۲۰۱۱ م.
۴۱. علی زاده، عبدالرضا و دیگران؛ *جامعه‌شناسی معرفت، جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و معرفت‌های بشری*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۲. عنایت، حمید، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، جیبی، تهران، ۱۳۵۶ ش.
۴۳. ابراهیم بای سلامی غلام‌حیدر، «مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسی»، *نامه علوم اجتماعی*، بهار ۱۳۸۶ ش.
۴۴. فلاح‌زاده، محمدهادی، «نهاد اجتماعی چیست؟ نقش دین به مثابه یک نهاد اجتماعی»، پایگاه اینترنتی تبیان زنجان: <http://tebyan-tabriz.ir/?MID=21&Type=News&ID=183746>، ۱۳۹۷ ش، دسترسی در چهارم خرداد ۱۳۹۷ ش.
۴۵. کاشانی، ملا عبدالرسول، *رساله انصافیہ*، مرسل، کاشان، ۱۳۴۰ ش.
۴۶. کوزر، لوئیس، ترجمه سعید سبزیان، «جامعه‌شناسی معرفت»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۷، ۱۳۷۳ ش.
۴۷. کوهن، تامس، *ساختار انقلاب‌های علمی*، ترجمه احمد آرام، سروش، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۴۸. کوئن بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، سمت، تهران، چاپ نهم، ۱۳۶۹ ش.
۴۹. کیوان قزوینی، عباس‌علی، *گفتارهای کیوان*، (در هفت رساله)، مدرسی چهاردهی، نورالدین، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۵۰. گلستانی، صادق، «جامعه‌شناسی معرفت در قرآن»، *معرفت*، شماره ۹، ۱۳۸۵ ش.
۵۱. لاهوری، محمد اقبال، *احیای فکری دینی در اسلام*، شرکت سهامی انتشار، قم، ۱۳۹۷ ش.
۵۲. لویز خوزه، اسکات، جان، *ساخت اجتماعی*، قاضیان، حسین، نی، ۱۳۸۵ ش.
۵۳. محسنی، منوچهر، *مبانی جامعه‌شناسی علم*، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۵۴. محیطی اردکان، محمدعلی، «پیشینه رابطه علم و دین در اسلام و غرب»، *معرفت*، شماره ۱۸۸، ۱۳۹۲ ش.
۵۵. مدرس، محمدعلی، *ریحانه الادب*، ج ۲، بی‌نا، تبریز، ۱۳۴۷ ش.
۵۶. مصطفوی فرد، حامد، «بازتعریف مکتب اخباری‌گری»، *کتاب‌قیم*، شماره ۱۱، مهرماه، ۱۴۰۰ ش.

۵۷. معمار، رحمة الله، «تحليل جامعه‌شناختی از وقوع جنبش مشروطه با استفاده از نظریه فشار ساختاری اسملسر»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۵۸-۵۹، ۱۳۹۲ ش.
۵۸. مولکی، مایکل، *علم و جامعه‌شناسی معرفت*، کچوئیان، حسین، ج ۱، نی، ۱۳۸۴ ش.
۵۹. نظام نهرانی، نادر، *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث*، منهاج، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۶۰. نفیسی، شادی، *جریان‌شناسی تفسیر علمی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۷ ش.
۶۱. ولایتی، علی‌اکبر، *آفرینندگان فرهنگ و تمدن اسلام و بوم ایران*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۶۲. هنر، علی محمد، «گشت‌وگذار در کشف الاسرار»، *آیین‌پژوهش*، شماره ۴۴، ۱۳۷۶ ش.
63. "Discourse Analysis – What Speakers Do in Conversation |Linguistic Society of America". www.linguisticsociety.org. Retrieved 2016-02-20.
64. Elr 2003). "Hekmat, 'Ali-Aşğar". *Encyclopædia Iranica*. XII, Fasc. 2. New York: Bibliotheca Persica Press. p. 145-149.
65. Haidar, J.I. , 2012. "Impact of Business Regulatory Reforms on Economic Growth," *Journal of the Japanese and International Economies*, Elsevier, vol.26(3), pages285–307, September.